

از جبههٔ روسیه

در جنگ با اوکراین

به روایت فرستاده‌ای در دل سربازان پوتین

ترجمهٔ زویا سید حسنی
(برکردار از ایتالیایی)

لوکا اشتاین مان



www.ketab.ir

سرشناسه: اشتاین مان، لوکا، Steinmann, Luca. عنوان ویدئو آوز: از جبهه روسیه در جنگ با اوکراین: به روایت فرستاده‌ای در دل سربازان پوتین/ نوشته لوکا اشتاین مان، ترجمه زویا سیدحسینی. دبیر مجموعه و سرویراستار: حسین کیانی. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۸۷-۰۲-۴. وضعیت فهرست نویسی: فیا. مشخصات ناشر: تهران، نشر لگا، ۱۴۰۳. عنوان اصلی: Il fronte russo: la guerra in Ucraina raccontata dall'inviato tra i soldati di Putin. موضوع: حمله روسیه به اوکراین - خبرنگاران - روابط خارجی. شناسه افزوده: سیدحسینی، زویا - ۱۳۶۰، مترجم. رده‌بندی کنگره: DK ۵۰۸/۸۵۲. رده‌بندی دیویی: ۹۴۷/۷۰۸۶. شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۸۲۷۴۵۳

www.ketab.ir

از «ادبیات داستانی» لگا

از جبهه روسیه در جنگ با اوکراین

به روایت فرستاده‌ای در دل سربازان پوتین

لوکا اشتاین مان . ترجمه زویا سید حسنی (برگردان از ایتالیایی)

دبیر مجموعه و سرویراستار: حسین کیانی

چاپ اول . زمستان ۱۴۰۳ . ۶۰۰ نسخه . تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج، ساختمان ۴۰۰، طبقه ۲، واحد ۵، نشر لگا . تلفن تماس: ۹۹ ۶۵ ۹۶ ۶۶ (۰۲۱) . «کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. وبسایت و فروشگاه آنلاین نشر لگا: www.legapress.ir . اینستاگرام: [lega.press](https://www.instagram.com/lega_press)

فهرست

۷	مقدمه
۹	۱. خودت را آماده کن، اتفاقاتی در دُنْباس دارد رخ می‌دهد
۱۸	۲. هشت سال جنگ
۳۴	۳. «امشب جنگ آغاز می‌شود»
۴۳	۴. تنها غربی‌های حاضر در کنار روس‌ها
۵۳	۵. «من یک کمونیستم، برای کشورم می‌جنگم»
۵۸	۶. زیستن در برابر دشمن
۶۶	۷. شاگرد ادوارد لیمونوف
۷۲	۸. به رسمیت شناختن جمهوری‌ها
۷۵	۹. مأموریت نظامی ویژه
۸۵	۱۰. هفت ارتش پوتین
۹۱	۱۱. در نزدیکی ماریوپل
۹۷	۱۲. بمب، ودکا و بدگمانی
۱۰۲	۱۳. باپاهای در گِل فرو رفته
۱۰۷	۱۴. «روس‌ها آن‌ها را تبعید می‌کنند»
۱۱۳	۱۵. روسی‌سازی
۱۲۱	۱۶. جنگجویان گردان آزوف
۱۲۹	۱۷. تماس‌های غیرعادی
۱۳۲	۱۸. کشتار وولنووا
۱۳۷	۱۹. فاجعه توچکا-یو
۱۴۲	۲۰. ناچار به رفتن
۱۴۸	۲۱. «پسران» دوگین
۱۵۵	۲۲. یک ملت تقسیم شده
۱۶۰	۲۳. بازگشت به دُنْباس
۱۶۴	۲۴. اولین‌ها در ماریوپل
۱۶۸	۲۵. دوباره اخراج شده
۱۷۴	۲۶. زیباترین جای دنیا
۱۷۹	۲۷. ماریوپل روز به روز روس‌تر

۱۸۴	۲۸. چچنی‌ها
۱۹۱	۲۹. موج سرخی که پیش می‌رود
۱۹۶	۳۰. داخل آژوفستال، بین چچنی‌ها و آژوف
۲۰۲	۳۱. به نام اندی روکلی
۲۰۸	۳۲. «سرزمین هیچ‌کس»
۲۱۳	۳۳. به طرف لوهانسک
۲۱۵	۳۴. متانت دو کودک یتیم
۲۲۰	۳۵. پوپاستایا، درسدن دُنباس
۲۲۶	۳۶. همه دُنباس طرف روسیه نیست
۲۳۰	۳۷. تبلیغات، سانسور و بی‌اعتمادی ابدی روس‌ها
۲۳۶	۳۸. حمله به روبزنو
۲۴۰	۳۹. پیشروی با روس‌ها
۲۴۴	۴۰. ترس
۲۴۷	۴۱. محاصره سورودونتسک
۲۴۹	۴۲. داریا دوگینا، ملاقات غیرممکن
۲۵۱	۴۳. چیزی در حال تغییر است
۲۵۵	۴۴. در چند قدمی مرگ در لیزیچانسک
۲۶۰	۴۵. ایتالیایی‌هایی که برای پوتین می‌جنگند
۲۶۴	۴۶. نیروگاه هسته‌ای ایزرهودار
۲۶۸	۴۷. دونتسک، قتل‌عامی دائمی در سکوت دنیا
۲۷۳	۴۸. رفرااندوم برای الحاق
۲۷۷	۴۹. وزوز پهبادهای مرگ
۲۷۹	۵۰. مارینکا و رزمندگان محله‌ها
۲۸۳	۵۱. در خط مقدم با گروه واگنر
۲۸۹	۵۲. عقب‌نشینی از خرسون
۲۹۶	۵۳. خانه آنان که گریخته‌اند
۲۹۹	۵۴. در تیررس هیمارس
۳۰۳	حرف آخر

مقدمه

ایتالیا، میلان، ژانویه ۲۰۲۲

درحالی این کلمات را می‌نویسم که خاطرات، احساسات و هیجاناتی در من بیدار می‌شوند که در گوشه‌ای از ذهنم پنهان بودند، جایی در ضمیر ناخودآگاهم. گویی همه تنش‌ها، ترس‌ها و فشارهایی که در دوران مبارزات مسلحانه و بمباران‌های پیاپی حسشان نکرده بودم در درونم به یک باره فوران کرده باشند. آنجا در میدان جنگ، فقط یک بار متوجه این احساس هراس شدم.

همیشه این حس با من همراه بود که جزو صحنه‌هایی که می‌دیدم نبودم همچون جسمی خارجی، بیننده‌ای که از دور شاهد صحنه‌های مرگ و استیصال است ولی خودش در معرکه حضور ندارد.

این دیدگاه چنان قدرتی به من داد تا هفت ماه در جبهه دوام بیاورم (با درنظرگرفتن دو وقفه زمانی) و به پیشروی در خط مقدم ادامه بدهم بی‌آنکه سنگینی‌اش را احساس کنم. ولی اینک که در محیط امن خانه‌ام مشغول نوشتن هستم از منظر دیگری به این نمایش جنگی نگاه می‌کنم که شاهدش بودم. دفتر یادداشت‌م را که می‌خوانم و خاطراتم را زیوررو می‌کنم گویی از بالا شاهد این صحنه‌ها هستم. خودم را می‌بینم میان سنگرها و خرابه‌های شهرهایی با خاک یکسان‌شده و انگار تازه متوجه خطراتی می‌شدم که با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کردم درحالی که سنگینی‌شان را حس نمی‌کردم.

شاید این طور بهتر بود، و امیدوارم که هنوز هم همین طور باشد. زمانی مشغول شرح این جنگ طولانی هستم که دنیای ما را دارد برای همیشه تغییر می‌دهد. زمانی که در ۱۸ فوریه ۲۰۲۲ همراه گابریل میکالیزی وارد منطقه تحت نظارت طرفداران روسیه در دُنِباس^۱ شدم هیچ‌گاه گمان نمی‌کردم اوضاع این طور پیش برود، فکر می‌کردم ۱۰ روزی بیشتر آنجا نمی‌مانم. چیزی که قرار بود سفر کوتاهی باشد مبدل به جنگی طولانی در قلب اروپا شد که به رؤیای دنیایی پساتاریخی بر پایه صلح و منظم به قوانین دیپلماسی برای همیشه پایان داد. واقعه‌ای تاریخی که تا به حال «در خطوط دشمن»، آن طور که همه به آن اذعان دارند من تنها شاهد غیروسی‌اش بوده‌ام. فرستاده‌ای در دل سربازان پوتین که برای خبرگزاری‌های غربی خبر تهیه می‌کند، همان دنیایی که طرف اوکراین را می‌گیرد. این موقعیت حساس و منحصربه‌فرد وادارم می‌کند تا در بازگویی وقایع برای حفظ جایگاه خودم بسیار دقیق باشم و وسواس زیادی به خرج دهم. در طول این مدت فشارهای فراوانی روی من بوده ولی هیچ‌گاه سانسور نشدم و با ناشی‌کاری کار کردم که راه را برایم باز گذاشت. بنابراین هر گونه نقص و شایستگی فقط متوجه خودم است.

در طول این سال توانستم به چشم خویش بینم که چگونه در مرحله آغاز جنگ، خبرنگاری خارجی این امکان را داشت که در جبهه روسیه بدون اجبار به عملیات تبلیغاتی، به کارش ادامه دهد. امیدوارم در آینده نیز جز این نباشد.

در مقام شاهی که در جبهه روسیه حضور داشته موقعیت کتابم به راحتی قابل انتقاد است، هم از جانب روس‌ها که شاید انتظار روایتی تبلیغاتی را داشتند و هم از طرف جوامع غربی که روایتی منطبق بر دیدگاه‌های خود را ترجیح می‌دادند. به عنوان فرستاده‌ای گرفتار میان هر دو جبهه، همه تلاشم این بود تا وقایعی را روایت کنم که به چشم خود دیدم و با پوستم احساس‌شان کردم. وقتی این کتاب را می‌نوشتم متوجه بودم که ممکن است از سوی هر دو جناح توی جبهه مورد قضاوت قرار بگیرم.

۱. Donbass: نام منطقه‌ای تاریخی، اقتصادی و فرهنگی در جنوب شرق اوکراین است و از بخش‌های شمالی و مرکزی استان دونتسک و بخش جنوبی استان لوهانسک تشکیل می‌شود.